

واکاوی تربیت دینی بر اساس نقش خانواده با تأکید بر برنامه درسی

لادن سلیمی^۱، معصومه مهدی‌نیا^۲

^۱ عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری (نویسنده مسئول)

^۲ دانشجوی دکتری رشته فلسفه، گرایش تعلیم و تربیت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساری، مازندران، ایران

چکیده

هدف این پژوهش واکاوی تربیت دینی بر اساس نقش خانواده با تأکید بر برنامه درسی می‌باشد. این تحقیق از نوع توصیفی و آمیخته است. روش اجرای این پژوهش بدین گونه بوده است که برای جمع‌آوری این اطلاعات، پایگاه‌های اطلاعاتی مگ ایران یا ایران میدکس، گوگل اسکولار، SID و مجلات و فصلنامه‌های مرتبط با موضوع پژوهش با کلید واژه‌های تربیت دینی، خانواده، برنامه درسی در بازه زمانی بین سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۲۲ مورد جستجو قرار گرفت. مطالعاتی که نقش مؤلفه‌های برنامه درسی را در تربیت دینی مورد بررسی قرار داده بودند، با روش نمونه‌گیری هدفمند، از میان ۳۷ مقاله مورد بررسی شده، و ۱۳ مقاله مرتبط با موضوع به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. یافته‌های این پژوهش شامل توصیف و تبیین الگوها و رویکردهای تربیت دینی که در مبانی نظری تحول بنیادین و منابع معتبر دینی و مقالات مرتبط مطرح گردیده است و تأثیر نقش خانواده در شکل‌گیری تربیت دینی فرزندان و در نهایت کمک به تحقق اهداف سند تحول مورد بررسی قرار گرفت. بنابراین ضروری است که توجه خاصی به این بعد از تربیت دینی صورت بگیرد تا تغییرات اساسی در زمینه آموزش خانواده فراهم گردد.

واژه‌های کلیدی: آموزش و پرورش، الگوها، تربیت دینی، خانواده، برنامه درسی

۱. مقدمه

از نظر صاحب‌نظران، خانواده اولین و مهم‌ترین محیطی است که فرد در آن از کیفیت روابط انسانی آگاهی پیدا می‌کند. بر اساس تحقیقات روانشناسان و جامعه‌شناسان، تجارب سال‌های اوان کودکی که معمولاً در خانواده حاصل می‌شود، سازنده شخصیت و زیربنای رفتارهای بعدی فرد است. از نظر تربیتی نیز تأثیر خانه و خانواده در فرد، نامحدود است و می‌توان گفت که پایه‌های تربیتی فرد در خانه نهاده می‌شود، زیرا محیط خانه از طریق تأمین نیازمندی‌های روانی کودک یا دانش‌آموز با فرصتی که برای ارضای تمایلات و غرایز او فراهم می‌سازد، در چگونگی رشد او مؤثر است [۱۰]. خانواده اساس صحت اخلاقی فرد را بنیان‌گذاری می‌کند و ارزش‌های اخلاقی را در او نهادینه می‌سازد. تحقیقات نشان می‌دهد خانواده‌ها با انجام اعمال مذهبی مثل دعا کردن، دادن خیرات، دستگیری از فقرا و رعایت شئون اخلاق، می‌توانند موجب رشد و بالندگی معنوی فرزندان شوند. بدین ترتیب، پژوهشگران همسو با اسلام، خانواده را اساسی‌ترین بستر شکل‌گیری باورهای مذهبی و معنوی می‌دانند و بر این نکته تأکید دارند که بیشتر این باورها از دوران کودکی و از کانون خانواده ریشه می‌گیرد [۱۸].

برنداواتون در کتاب خود با عنوان تدریس مؤثر تربیت دینی به تشریح چند دیدگاه درباره تربیت دینی پرداخته است. در دیدگاه اول با عنوان «الگوی دعوت به دین» ارزش‌ها و عقایدی که جامعه بر آن‌ها مبتنی است، به فراگیران تعلیم داده می‌شود. این الگو در دنیای کثرت‌گرای کنونی مفید است و امکان کمک به دانش‌آموزان برای باور به ارزش‌ها در جریان زندگی را فراهم می‌سازد. دیدگاه دوم با عنوان «الگوی بالاترین عامل مشترک»، که به تازگی به طور قابل ملاحظه‌ای مورد توجه قرار گرفته است. همان آموزش اخلاقی است که در قالب تشویق دانش‌آموزان به کسب نگرش‌هایی مانند تعاون و عدالت خواهی تبلور می‌یابد و در جست‌وجوی راهی برای کاهش جرائم و کمک به استقرار یک جامعه با ثبات است. دیدگاه سوم، الگوی پدیدارشناسی است که هدف آن، تقویت روحیه تسامح و بی‌تعصبی در افراد است و از طریق مطالعه ادیان مختلف و دستیابی فراگیران به یک نگرش مثبت به تمام ادیان و کثرت‌گرایی تحقق می‌یابد [۳].

این رویکرد، بر مبنای نگاه مساوی به تمام ادیان و هم سطح بودن آنهاست که مشوق دانش‌آموزان به یادگیری‌های سطحی و نسبیت‌گرایی نیز می‌باشد. در دیدگاه چهارم، آموزش دینی از نظر اصالت‌گرایان مطرح شده است که هدف کلی آن، تربیت شاگردان به گونه‌ای است که مسئولیت تربیت خویش را در طول زندگی بر عهده بگیرند و به شکل اصیل درباره دین تفکر کنند و با انتخاب خود، با پایبندی واقعی به دین یا غیر دین دست یابند [۱۲]. آخرین دیدگاه، رویکرد تجربه‌ای است در باره آموزش دین، که براساس آن، فراگیران به طور عمیق با خود ارتباط برقرار کرده، با تمرکز بیشتر به آنچه که در کلاس درس در باره دین و معنویت، مطرح می‌شود، می‌اندیشند.

به نظر می‌رسد که با یک دیدگاه ترکیبی حاصل از دیدگاه‌های اول، دوم، چهارم و پنجم و طراحی آن در فرآیند برنامه‌ریزی درسی معنوی و با تلاش برای کاستن از نقاط ضعف و محدودیت‌های آن‌ها، می‌توان تا حدود زیادی فراگیران را در گرایش به سوی ارزش‌های دینی، معنوی و مبانی و اصول تربیت دینی ترغیب کرد. به این منظور، با بهره‌گیری از آموزه‌های دینی و اسلامی و رعایت اصول اخلاقی، می‌توان به شیوه‌ای صحیح و مؤثر، در به فعلیت رساندن این استعدادها معنوی و انسانی کوشش نمود و شخصیت واقعی انسان را نشان داد. بنابراین می‌توان مقصد نهایی و غایت تربیت دینی، تربیت اخلاقی و تربیت اسلامی را در تربیت معنوی مشاهده کرد [۱۵]. تربیت معنوی با پیروی از دستورات الهی (تربیت دینی و اسلامی) و زدودن باطن از صفات ناشایست و آراستن آن با صفات نیک (تربیت اخلاقی)، تحقق می‌یابد و خود نیز دارای مراتب و مدارج فراوانی است. بنابراین افزودن قیودی مانند دین، مذهب و اسلام به تربیت، به مبانی، اصول، راه کارها و توصیه‌هایی اشاره دارد که تنها بر اساس آن‌ها می‌توان مراحل گوناگون فرایند تربیت معنوی را پیمود و در بستر آن حرکت کرد. در تربیت اخلاقی نیز دستیابی به صفات و ملکات انسانی و سوق دادن رفتارها و ابعاد شخصیتی آدمی به سوی روش‌ها و منش‌های اولیای الهی، یک هدف اساسی به شمار می‌آید که نهایت آن، رسیدن به مراتب و منازل از تربیت دینی تلقی می‌شود [۶].

مرور سوابق نظری و تحقیقاتی موضوع نشان داد که، تاکنون پژوهش‌های بسیاری در خصوص تربیت دینی و اهمیت آن انجام پذیرفته است. لیکن پژوهش جامعی در مورد مسئله پژوهشی حاضر صورت نگرفته است و تمامی پژوهش‌ها به صورت

محدود و پراکنده و اهمیت کار پرداخته و اما پژوهشی که ما را با رویکردهای تربیت دینی بر اساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و نقش خانواده‌ها در تحقق آن آشنا کند صورت نگرفته است. هدف مطالعه حاضر مروری بر نقش مؤلفه‌های تربیت دینی بر اساس نقش خانواده با تأکید بر برنامه درسی می‌باشد.

۲. روش تحقیق

این بخش روش مورد استفاده برای بازیابی مقالات مرتبط در نقش مؤلفه‌های تربیت دینی بر اساس نقش خانواده با تأکید بر برنامه درسی را مورد بحث قرار می‌دهد. یک مرور ادبیات سیستماتیک برای جمع‌آوری تمام شواهد تجربی که با معیارهای واجد شرایط بودن برای پاسخ به سؤالات تحقیق در این مقاله استفاده شده است. روش اجرای این پژوهش بدین گونه بوده است که برای جمع‌آوری این اطلاعات، پایگاه‌های اطلاعاتی مگ ایران یا ایران میدکس، گوگل اسکولار، نورمگز، SID و مجلات و فصلنامه‌های مرتبط با موضوع پژوهش با کلید واژه‌های تربیت دینی، خانواده، برنامه درسی در بازه زمانی بین سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۲۲ مورد جستجو قرار گرفت. مطالعاتی که نقش مؤلفه‌های برنامه درسی را در تربیت دینی مورد بررسی قرار داده بودند، با روش نمونه‌گیری هدفمند، از میان ۳۷ مقاله مورد بررسی شده، و ۱۳ مقاله مرتبط با موضوع انتخاب شدند.

۳. تربیت دینی

انسان موجودی است خلاق و پویا که طبعاً به دنبال موقعیت و بالندگی در زندگی خویش است، از این رو برای شکوفا نمودن استعدادها و رسیدن به آرمان‌های خود از هیچ کوششی فروگذار نبوده و سعی می‌کند که از توانمندی‌های خود به بهترین وجه استفاده کند تا به سر منزل مقصود برسد. بررسی اهداف تعلیم و تربیت اسلامی نشان می‌دهد که مهم‌ترین نیازهای هر جامعه الهی، تربیت افراد متدینی است که با اتکا به نیروی ایمان، اراده، تعقل و منطقی بیندیشند و به جای وابستگی استفاده از دستاوردهای اقتصادی و فرهنگی دیگران خود مولد دانش و فناوری برای زندگی مستقل در عصر ایمان باشند [۱۱].

تمام موفقیت‌های مادی و معنوی انسان در گرو اندیشه‌های دینی بارور، پویا و مؤثر است و همه افراد از ویژگی‌های مختلفی برخوردار هستند که باعث می‌شود آنان بتوانند مهارت‌های خود را در راه جدید به کار اندازد، بنابراین در عصر گسترش روزافزون اطلاعات و ارتباطات مسئله‌ای که پیش از هر چیزی توجه اولیاء و مربیان را به خود مشغول نموده است، چگونگی تربیتی دینی و پرورش نیروی نوآوری و شکوفایی انسان‌ها به ویژه نسل جوان است که به عنوان یک نیاز عالی و معنوی بشریت در تمام ابعاد زندگی آینده آنان مطرح است [۳۵].

با عنایت به این که زندگی بشر در این دنیا فرازها و فرودهای فراوانی دارد هر جامعه پیشرفته‌ای بدون تعلیم و تربیت قادر به حل مشکلات و رفع موانع نمی‌باشد و تنها در سایه آموزه‌های دینی و با استفاده از قرآن کریم و روایات معصومان (ع) می‌تواند به شکوفایی برسد. تحقیقات نشان می‌دهد که اگر افراد جامعه‌ای تنها به خود متکی باشد و از اندیشه‌های دینی بهره نگیرد، در میدان نوآوری و شکوفایی با شکست مواجه می‌شوند [۱۳].

مکتب حیات بخش اسلام بهترین نوآوری را در شیوه‌ها و روش‌های تربیتی برای پیروان خود ارائه داده است که کشف و استفاده آن‌ها ره توشه بزرگی برای پیروان این مکتب به شمار می‌آید و از نظر الگویی چنین شیوه‌ها روش‌هایی را می‌توان در قرآن کریم و نیز در زندگی عملی و رفتار و گفتار پیشوایان دینی و مربیان بزرگ بشریت جستجو کرد چون روش معصومان برگرفته از مکتب توحید و آموزه‌های دینی است و پیروی از کاملترین رهنمودهای تربیتی را به همراه دارد [۱۴].

۴. تربیت دینی از منظر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

اگر تربیت دینی بر اساس اندیشه درست استوار باشد، موجب رشد و پیشرفت کودک می‌شود. تربیت دینی و مذهبی کودکان از جنبه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی قابل بررسی است. مذهب و دین، پایه و اساس زندگی و موجب رشد و تکامل آدمی و رسیدن به مقام فرزند صالح است [۲۰].

تربیت دینی نوعی تربیت شخصیتی است، زیرا دین، انسان‌ساز است. لازم به ذکر است که هدف از تربیت رسیدن به هویتی پایدار است که حاصل تلاش فردی با اتکا به کاوش عملی و نظری باشد. اندیشیدن به خدا یک امر دستوری نیست بلکه یک فرایند اجتماعی و تدریجی است که در طول دوره رشد برای کودک اتفاق می‌افتد و به اندازه زیادی در یک تعامل اجتماعی صورت می‌گیرد. تربیت دینی فرایندی است که آدمی را برای نحوه خاصی از حیات مهیا می‌سازد. این نحوه زندگی بر مبنای اصول، قواعد و راهبردهای از پیش تعیین شده‌ای شکل می‌گیرد که از طریق دین و عقاید و شریعت به آدمی عرضه شده است. تربیت دینی جنبه‌ای از فرایند تعلیم و تربیت، ناظر به پرورش ابعاد شناختی، عاطفی و عملی‌متربی از لحاظ التزام او به دینی معین است. تربیت دینی در مفهوم خاص آن عبارت است از مجموعه تدابیر و اقدامات سنجیده و منظم تربیتی به منظور پرورش و تقویت ایمان و التزام متربیان به باورها، هنجارها و ارزش‌ها، احکام و دستورات، اعمال و مناسک دینی. بنابراین، تربیت دینی در شکل سالم خود، باید درصدد آن باشد که ایمان و عمل را در پیوند با یکدیگر پدید آورد [۱۷].

اگر به سیره‌ی پیامبر اسلام و ائمه اطهار علیهم السلام توجه شود می‌توان آن‌چه را که آنان می‌گفتند، عمل می‌کردند و تأیید می‌نمودند تربیت دینی نامید. تربیت دینی به معنای حرکت عملی در جهت ایجاد اعتقاد قلبی، ابراز کلامی و عمل است. از این رو تربیت دینی ناظر به عملی کردن تربیت است. حضور در عصر تکنولوژی و ارتباط تنگاتنگ آن با زندگی، انسان را از بازگشت به خود و تمایلات فطری و درونی عاجز ساخته و به نوعی از خودبیگانگی و عدم دینداری سوق داده است. فطرت پاک کودک و نوجوان امروز تحت سیطره و تسلط امواج بی‌دینی قرار گرفته است. ارزش‌های اسلامی در پی تلاش بی‌وقفه دشمنان در جنگ نرم مورد بی‌مهری قرار گرفته‌اند و باورهای دینی را دست‌های پنهانی نشانه گرفته است. وجود رسانه‌های جمعی از قبیل اینترنت و ماهواره عوامل خطرزایی هستند که کودکان و نوجوانان را تهدید می‌کنند و می‌توان شاهد کمرنگ شدن مسائل دینی و اخلاقی در جامعه بود. بسیاری از نوجوانان در اثر ناآشنایی با باورهای دینی به بحران‌های هویتی مبتلا هستند [۷]. کودکان و نوجوانان سرمایه‌های گرانقدر هر ملتی هستند چرا که مسئولیت‌های فردای هر کشور را عهده دار خواهند شد. بنابراین تربیت دینی را می‌توان فراهم آوردن بستری مناسب برای هر چه بهتر شکوفا شدن استعدادهای فرد از درون در جهت بعد اعتقادی و گرایشی آن دانست: چنانچه تعلیم یا (تعلیمات) دینی همان تقویت دین است [۴]. تربیت دینی، این حس زیبا را به فرزندان انتقال می‌دهد که دین‌داری و خداپرستی، عامل نیک بختی، امنیت درونی و درک لذت واقعی از زندگی است. احساس دینی، لطافت روحی و تعادل روانی را برای انسان به ارمغان می‌آورد. والدین باید در محیطی سالم، متعادل و جذاب، در تربیت دینی کودکان و نوجوانان بکوشند. بدیهی است شناخت ویژگی‌های سنی و نیازهای عاطفی کودکان و نوجوانان، می‌تواند والدین را در شکل‌دهی هویت دینی فرزندان یاری کند. این وظیفه والدین و مربیان است که متناسب با نیازهای کودک، به معرفی آموزه‌های دینی بپردازند [۹].

۵. رویکردهای تربیت دینی از منظر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

۵.۱. رویکردهای تربیت دینی

دستیابی به اهداف و آرمان‌های تربیتی از جمله دغدغه‌های اصلی هر نظام آموزشی است. در نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران نیز به جهت صبغه اسلامی آن، دستیابی به اهداف تربیت دینی، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. عده‌ای بر رویکردهای مبتنی بر عادت تکیه دارند و آن را در دستیابی به اهداف تربیت دینی مناسب‌تر می‌دانند [۵]. برخی دیگر رویکرد عادت را جایز نمی‌دانند و راه‌های رسیدن به اهداف تربیت دینی را در رویکردهای عقلانی جستجو می‌کنند و سعی دارند با ارائه براهین و استدلال‌های منطقی افراد را در جهت تربیت دینی مدد برسانند [۱۹]. این گروه رویکردهای مبتنی بر تشویق و تنبیه را که به شکل مکانیکی انجام می‌شوند و نتیجه‌ای جز عادت ندارند را قبول ندارند، زیرا بر بنیاد اصل مطمئنی استوار نیست.

حال با توجه به اهمیت و ضرورت دین در زندگی انسان، و ضرورت تربیت نسل‌ها با در نظر گرفتن مؤلفه‌های دین و تربیت دینی مسأله این است که چه نوع رویکرد یا رویکردهایی برای این امر مهم در تربیت دینی افراد باید به کار بگیریم، و حدود و چگونگی این رویکردها به تربیت دینی چگونه باید باشد و کاربرد هر یک از این رویکردها در تربیت دینی در چه

زمینه‌هایی و چقدر است؟. با توجه به این‌که در شرایط فعلی دست‌اندرکاران تربیت دینی دو رویکرد عقلانی و عاداتی را نسبت به تربیت دینی سرلوحه قرار داده‌اند و این دو رویکرد از مهم‌ترین رویکردهای مؤثر در تربیت دینی می‌باشند که ارتباط تنگاتنگی نیز با هم دارند، اما در مورد اینکه حدود و شرایط این دو رویکرد در تربیت دینی با توجه به ابعاد آن چگونه می‌باشد مسأله این تحقیق می‌باشد که به بررسی آن می‌پردازیم. به طور کلی تربیت دینی متکی بر سه رویکرد عقلانی، عاداتی و شهودی می‌باشد. از نظر سجادی دینداری بر سه رویکرد (عادت، عقلانیت و شهود) استوار است که هر کدام از این رویکردها از جهت خاصی و با اهداف خاصی مورد توجه قرار می‌گیرد. تربیت دینی نیز به اقتضای اهدافی که در پی آن است می‌تواند بر یکی از بنیادهای فوق استوار باشد [۸].

۵.۲. رویکرد مبتنی بر عادت

در این رویکرد عادت آموزی نقشی مهم در شکل‌دهی رفتارهای دینی دارد. انجام دادن کارها به شکل مکانیکی به شیوه‌ای که اندیشه در آن‌ها چندان دخیل نباشد، عادت نام دارد در زمینه بهره‌گیری از روش عادت در تعلیم و تربیت آرای متفاوتی وجود دارد. برخی هم‌چون، روسو و کانت، عادت را ضد تربیت می‌دانند و برخی نیز هم‌چون ارسطو و موریس دبس آن را به ویژه در سنین پایین لازم و ضروری می‌دانند. مثلاً کانت آگاهی و آزادی و احساس تکلیف را شرط اساسی در عمل اخلاقی می‌داند. او انضباط را هر چند در سنین پایین جایز می‌داند، اما هرگز آن را تربیت نمی‌نامد. او حتی اجتماعی شدن و اخلاقی عمل کردن را به سبب وجود بعضی ساختارهای اجتماعی که فرد را وادار به عمل اخلاقی می‌کنند، تربیت نمی‌نامد. از نظر کانت انگیزه اخلاقی عمل کردن فقط باید به سبب احترام به اخلاق باشد [۳۶]. او درباره استفاده از روش عادت در تربیت می‌گوید: به هر اندازه که عادت‌ها بیشتر مورد استفاده قرار گیرند، آزادی و استقلال کمتر خواهد شد. در این رویکرد، عادت آموزی نقش مهمی در شکل‌دهی رفتارهای دینی دارد. انجام کارها به شکل مکانیکی به نحوی که اندیشه در آن چندان دخیل نباشد، عادت نام دارد. در زمینه استفاده از روش عادت در تعلیم و تربیت آراء مختلف است. برخی هم‌چون کانت، روسو و افلاطون عادت را ضد تربیت می‌دانند و برخی نیز هم‌چون ارسطو و موریس دبس آن را به ویژه در سنین پایین لازم و ضروری می‌دانند [۳۹].

۵.۳. رویکرد زیبایی‌گرایی

رهیافت دیگر در تعلیم و تربیت دینی، توجه به زیبایی‌شناسی در تمام مراتب تعلیم و تربیت است. این رویافت نیز ریشه در معارف دینی قرآن کریم و سنت و سیره معصومین دارد. عبارت مشهور «ان الله جمیل و یحب الجمال» زیربنای این رویافت است. نام‌گذاری صفات ثبوتی یا کمالی حق تعالی به صفات جمالی در مقابل صفات جلالی که صفات تنزیهی هستند گویای آن است که «زیبا» بودن خداوند در همه اوصافش متجلی است و جهان خلقت که آیه اوصاف حق است، آیت زیبایی است [۳۷]. با این نگاه به میزانی که انسان طریق کمال را بی‌پیماید به و صاف الهی آراسته گردد بر حسن زیبایی خود می‌افزاید. انبیاء الهی و ائمه معصومین هم آیات عظمای زیبای حق‌اند و هم مجلی واسطه تجلی با در خلق و با این نگاه به میزانی که انسان طریق کمال را بی‌پیماید و به اوصاف الهی آراسته گردد بر حسن و زیبایی خود می‌افزاید. این زیبایی در بزرگ‌ترین کتاب هدایتی انسان (کتاب تشریع) متجلی است، همان‌طور که در کتاب تکوین (کتاب خلقت) هم تجلی یافته همان‌طور که در کتاب ناطق انسان کامل به ظهور رسیده است. این رویکرد زیبایی‌گرا همه ابعاد قرآن کریم متجلی است: فصاحت و بلاغت ظاهری و معنوی داستان‌پردازی بیان‌های انذار تبشیری توصیف حق تعالی و خلقت و معاد شیوه طرح موضوعات همه معجزه زیبایی است. این رویکرد متناسب با گرایش به زیبایی در انسان است، گرایش فطری که منشأ بسیاری از رفتارهای ماست [۲۸].

۶. نقش خانواده در تحقق اهداف و رویکردهای تربیت دینی

خانواده به طور طبیعی مهم‌ترین نقش را در زمینه‌سازی رشد و تحول فرزندان بر عهده دارد؛ لذا در دیدگاه اسلامی با ملاحظات گوناگون، بر جایگاه خانواده در فرایند تربیت تأکید می‌شود. صراحت متون مقدس و معتبر اسلامی در توجه به نقش والدین

در تربیت، هم‌چنین تنوع و تکرار فراوان آنچه در روایات و احادیث دربارهٔ وظایف تربیتی خانواده آمده است. اجماعی کلی دربارهٔ مسئولیت والدین نسبت به تربیت فرزندان در میان علمای دینی و کارشناسان تربیت اسلامی پدید آورده است. بنابراین خانواده نیز که به طور مستقیم مورد خطاب آیه «قوا انفسکم قودها الناس و الحجاره» واقع می‌شود، باید در بارگاه الهی نسبت به انجام تکالیف و اهلیکم ناراً و تربیتی خود پاسخ‌گو باشد و نمی‌تواند نسبت به اهداف، برنامه‌ها و اقدامات تربیتی انجام یافته نسبت به فرزندان خویش بی‌توجه باشد. به این ترتیب خانواده نه تنها در پشتیبانی و اجرای طرح‌های تربیتی، بلکه در سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و بخصوص ارزشیابی از برنامه‌ها و مشارکت اقدامات فرایند تربیت باید مشارکت فعال داشته باشد. اما نکتهٔ مهم این است که اولاً مشارکت فعال خانواده، تمام سطوح فعالیت‌های تربیتی از هدف‌گذاری تا اجرا و حتی ارزشیابی و اقدامات اصلاحی را فرا می‌گیرد. ثانیاً مشارکت فعال خانواده در فعالیت‌های تربیتی نخست از منظر تکلیف الهی و وظیفهٔ دینی مورد ملاحظه قرار می‌گیرد؛ یعنی خانواده در بارگاه الهی نسبت به عملکرد تربیتی دولت اسلامی پاسخ‌گوست و نمی‌تواند از خویش سلب مسئولیت کند [۲۶]. بنابراین با عنایت به تلازم حق با تکلیف در امر تربیت در دیدگاه اسلامی، مشارکت والدین در فرایند تربیت (انواع آن) هم حق و هم تکلیف آن‌هاست و دولت اسلامی موظف است در استیفای این حق و کمک به ادای این تکلیف بکوشد و سازوکارهای ضروری آن را فراهم آورد. لذا لازم است با طراحی و اجرای تدابیر مناسب، نخست خانواده را به لحاظ فکری و انگیزشی برای انجام تکالیف تربیتی و ایفای این نقش فعال در فرایند تربیت فرزندان خویش آماده نمود. بدیهی است که نقش و جایگاه والدین در انجام تکلیف و حق تربیت فرزندان در تمامی سطوح و انواع تربیت یکسان نیست. تردیدی نیست که این نقش به سبب شرایط رشدی کودکان در سنین آغازین زندگی برجسته و حساس‌تر و ضروری‌تر است. اما با توجه بن پیچیدگی‌های فرایند تربیت و تخصصی بودن آن در عصر حاضر (به ویژه در مرحلهٔ تربیت رسمی)، خانواده‌ها نمی‌توانند به تنهایی این وظیفهٔ خطیر اجتماعی را برعهده بگیرند [۲۴].

۷. فرهنگ‌سازی دینی و نقش خانواده

پویایی معنوی و سیاسی یک جامعه به حضور بالنده ارزش‌های دینی و ملی پذیرفته شده در آن جامعه و میزان پایبندی افراد جامعه به آن‌ها بستگی دارد. بنابراین، بهترین راه سالم‌سازی و افزایش آمادگی جامعه در برابر ترفندها و توطئه‌های پیچیده دشمن، تلاش برای حفظ، درونی‌سازی و گسترش ارزش‌ها در زندگی فردی و اجتماعی است. خانواده، به عنوان نخستین کانونی که در این زمینه می‌تواند نقش آفرینی کند و پس از آن، مدرسه، آموزشگاه‌ها و دانشگاه‌ها باید به این امر مهم، عنایت ویژه داشته باشند و به فراخور نیاز افراد در دوره‌های گوناگون سنی، آنان را یاری کنند؛ زیرا فراهم آوردن زمینه‌های سالم تغذیه فکری برای نسل جدید، عبادت خواهد بود. فرهنگ‌سازی دینی و احیای ارزش‌های مذهبی در شرایط کنونی جامعه اسلامی، به فعالیت نظام یافته و همفکری و تلاش گروهی نیاز دارد که از نظر ابزار و محدوده کار نیز به مراتب گسترده‌تر و پیچیده‌تر از گذشته است. لازمه فرهنگ‌سازی دینی در حال حاضر این است که همه نهادهای اجتماعی، کارگزاران فرهنگی، صدا و سیما، مطبوعات و ... به صورت هماهنگ و منسجم در نهادینه کردن ارزش‌های دینی، تلاش ورزند. در این میان، نقش خانواده، آموزش و پرورش، صدا و سیما و مطبوعات به مراتب از دیگر نهادها برجسته‌تر است [۱۸].

اسلام به روش الگویی بسیار تکیه دارد و در ترسیم برنامه تربیتی همواره به این فن به عنوان شیوه‌ای بسیار مؤثر نگاه کرده و یکی از مکان‌های کاربرد آن را خانواده‌ها دانسته است. رفتار و اعمال والدین خواه ناخواه در فرزندان تأثیر می‌گذارد. فرزندان با چشمانی تیزبین به رفتار و گفتار والدین توجه می‌کنند. والدین در انتقال ارزش‌ها نقش الگو را به عهده دارند. دلایل متعددی وجود دارد که کودک برای فراگیری ارزش‌ها و رفتارهای والدین برانگیخته شود. کودک با رفتار کردن شبیه والدینش، مهر و محبت آن‌ها را حفظ و از تنبیه و سرزنش آن‌ها پرهیز می‌کند. نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که عمل الگو بسیار تأثیرگذارتر از بیان الگوست. بنابراین اگر خانواده‌ها رفتارهای مذهبی را برای فرزندان خود می‌پسندند، ابتدا خود باید الگوی عملی باشند. اگر والدین دروغگویی را نمی‌پسندند اول خود باید صادق باشند. اگر احترام به بزرگ‌تر را طالب هستند خود باید به بزرگ‌ترها احترام بگذارند. اگر به نماز و حجاب فرزندان خود علاقه‌مندند ابتدا خود باید به نماز و حجاب عملاً

اهمیت بدهند. والدین آن‌گاه در تربیت دینی توفیق می‌یابند که خود به آنچه می‌گویند عامل باشند. حضرت علی(ع) روش کسانی را که می‌گویند اما عمل نمی‌کنند بشدت نهی فرموده، می‌فرماید: «شایسته نیست که انسان از راه جدی یا شوخی دروغ بگوید و یا وعده‌ای بدهد که بدان عمل نکند» یا درجای دیگری می‌فرماید: «من مردم را به هیچ کار خیری دعوت نکرده‌ام مگر این که پیش از آن‌ها، اسلام به روش الگویی بسیار تکیه دارد و در ترسیم برنامه تربیتی همواره به این فن به عنوان شیوه‌ای بسیار مؤثر نگاه کرده و یکی از مکان‌های کاربرد آن را خانواده‌ها دانسته است. رفتار و اعمال والدین خواه ناخواه در فرزندان تأثیر می‌گذارد. فرزندان با چشمانی تیزبین به رفتار و گفتار والدین توجه می‌کنند. والدین در انتقال ارزش‌ها نقش الگو را به عهده دارند. دلایل متعددی وجود دارد که کودک برای فراگیری ارزش‌ها و رفتارهای والدین برانگیخته شود. کودک با رفتار کردن شبیه والدینش، مهر و محبت آن‌ها را حفظ و از تنبیه و سرزنش آن‌ها پرهیز می‌کند. نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که عمل الگو بسیار تأثیرگذارتر از بیان الگوست. بنابراین اگر خانواده‌ها رفتارهای مذهبی را برای فرزندان خود می‌پسندند، ابتدا خود باید الگوی عملی باشند. اگر والدین دروغگویی را نمی‌پسندند اول خود باید صادق باشند. اگر احترام به بزرگ‌تر را طالب هستند خود باید به بزرگ‌ترها احترام بگذارند [۲۳]. اگر به نماز و حجاب فرزندان خود علاقه‌مندند ابتدا خود باید به نماز و حجاب عملاً اهمیت بدهند. والدین آن‌گاه در تربیت دینی توفیق می‌یابند که خود به آنچه می‌گویند عامل باشند. حضرت علی(ع) روش کسانی را که می‌گویند اما عمل نمی‌کنند بشدت نهی فرموده، می‌فرماید: «شایسته نیست که انسان از راه جدی یا شوخی دروغ بگوید و یا وعده‌ای بدهد که بدان عمل نکند» یا درجای دیگری می‌فرماید: «من مردم را به هیچ کار خیری دعوت نکرده‌ام مگر اینکه پیش از آن‌ها، خودم آن را انجام داده‌ام» و به مردم می‌فرماید: «شایسته نیست که انسان از راه شوخی یا جدی دروغ بگوید و شایسته نیست کسی به کودک خود وعده‌ای بدهد و بدان وفا نکند». در این زمینه پیامبر (ص) و ائمه(ع) همواره بهترین الگوها معرفی شده‌اند. قرآن کریم حضرت محمد (ص) را سرمشق و الگوی مطلق در همه ابعاد زندگی برای همه خداجویان و کسانی که اعتقاد به رستاخیز دارند معرفی می‌کند؛ مثلاً در سوره احزاب آیه ۲۱ می‌فرماید: «بی‌تردید برای شما در همه ابعاد اسوه و الگوی نمونه، رسول خدا (ص) است برای آن کس که به ثواب خدا و روز قیامت امیدوار باشد و یاد خدا بسیار کند» [۲۲].

۸. تربیت دینی بر اساس نقش خانواده با تأکید بر برنامه درسی

با توجه به نقش آموزش و پرورش و وظایف مدرسه در نیل به هدف‌های دینی و پاسخ به نیازهای جامعه، تربیت دینی در نظام‌های آموزشی و رسمی کنونی به عنوان مهم‌ترین هدف مورد توجه قرار گرفته است. در چهارچوب نظام رسمی آموزش، برنامه درسی به عنوان یکی از ارکان مهم تربیت به ویژه تربیت دینی و نیز هماهنگ کننده تمام عوامل دخیل در تربیت به منزله قلب نظام تعلیم و تربیت و ابزاری جهت تحقق هدف‌های آموزش و پرورش از نقش و جایگاه مهمی در تحقق تربیت دینی برخوردار است [۲۹].

بر اساس بررسی‌های صورت گرفته، رویکرد حاکم بر نظام تربیتی رویکرد نتیجه‌گرا است که با غفلت از فقر موجود در حوزه نظریه‌های بنیادین برای تربیت اسلامی و کاستی‌های نظریه‌پردازی در قلمرو عناصر متعدد نظام تربیتی مانند برنامه درسی سبب تنزل تربیت اسلامی در حد «اطلاع-آموزی» درباره محتوای تاریخی، کلامی و فقهی دین اسلام شده است. تأمل در پیامدهای حاصل از به کارگیری برنامه‌های درسی تربیت دینی نشان از این واقعیت دارد که به رغم فراهم آمدن موقعیت برای تثبیت آن در نظام آموزش رسمی کشور، کوشش‌های صورت گرفته در این زمینه موفقیت چشمگیری نداشته و نظام آموزش و پرورش در دستیابی به هدف‌های موردنظر توفیق شایانی نداشته است [۲۱].

حاصل نقدهای صاحب‌نظران در حوزه تربیت دینی و برنامه درسی تربیت دینی حاکی از آن است که ادامه وضع موجود و تأکید صرف بر عینیت و ظواهر متأثر از نتیجه‌گرایی، مانع کسب تجربیات سازنده یادگیری در این زمینه شده و صدمه‌ای جبران‌ناپذیر بر پیکره تربیت دینی به ویژه در نظام آموزش رسمی وارد نموده و انحراف جدی از هدف‌های والای آن را موجب شده است. از این رو، باید به طور جدی از تک بعدنگری در تربیت دینی پرهیز و با به کارگیری رویکردی که از جامعیت

بیشتری برخوردار است، با دقت و ملاحظات بیشتری، همه ابعاد و جنبه‌های مطرح در دینداری را مورد توجه قرار داد و برای تربیت دینی طرحی نو در انداخت. در این مسیر باید به الگوها و منابع اسلام مراجعه کرد. بیان این نکته ضروری است که میان صاحب‌نظران برنامه درسی درباره عناصر برنامه درسی اتفاق نظر وجود ندارد. با وجود این، مهم‌ترین چیزی که یک نظام تربیتی و برنامه درسی را از سایر نظام‌های تربیتی و برنامه درسی متمایز می‌کند، هدف‌ها و غایت‌های آن است و به طور یقین، بدون شفاف‌سازی و اولویت‌بندی هدف‌ها نمی‌توان به سیاست‌گذاری و تعیین تکلیف سایر عناصر برنامه درسی نظام تربیتی پرداخت. علاوه بر این، بین آموزه‌های دینی از یک سو و هدف‌های برنامه‌های درسی نظام تربیتی از سوی دیگر روابط علی آشکاری وجود دارد [۷].

با توجه به رسالت تربیت دینی تاکنون رویکردهای متفاوتی توسط صاحب‌نظران مختلف مطرح شده است و طبق مطالعات صورت گرفته بیشترین آسیب‌هایی که به تربیت دینی در جامعه امروزی ما وارد می‌شود از ناحیه همین رویکردها و روش‌هایی است که برای تربیت دینی توصیه و اعمال می‌شوند. لذا رویکرد تکلیف‌گرا که ریشه در مبانی اسلام دارد به عنوان رویکرد مطلوب در تربیت دینی شناسایی و عناصر برنامه درسی مطابق آن تبیین شد. نتیجه قیاس عملی با استفاده از الگوی فرانکنا جهت تبیین هدف غایی نشان داد، در برنامه درسی تربیت دینی پیش از هر چیز باید به دنبال عمل به تکلیف بود. برای این منظور، ده هدف به عنوان هدف‌های واسطی برنامه درسی تربیت دینی مانند توحیدمحوری، اخلاص، رشد علم و معرفت، اندیشه‌ورزی، عقل‌ورزی، عدالت، اختیار، آزادی، پرورش جسمانی، کسب معرفت و بینش و پنج ویژگی برای فرایند یاددهی-یادگیری استنتاج شد. به کارگیری رویکرد تکلیف‌گرا در برنامه درسی تربیت دینی آثار و نتایج سودمندی خواهد داشت. یکی از ویژگی‌های مهم رویکرد تکلیف‌گرا، همه جانبه بودن آن است. در واقع این رویکرد به صورت توأمان به ابعاد معرفتی، عاطفی و عملی توجه کرده و از یک‌سونگری مبرا است [۳۲].

جدول ۱. خلاصه نتیجه مطالعات مرور شده

ردیف	نویسندگان (تاریخ)،	عنوان پژوهش	یافته‌ها
۱	نیرومند و همکاران (۱۴۰۱)	ارائه الگوی تربیت دینی برای دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم با رویکرد نشاط‌آوری، براساس آیات و روایات	یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که مهم‌ترین الگوها: در نظر داشتن تفکر انتقادی در تربیت دینی، در نظر گرفتن نظام یکپارچه رشد در مورد مسئله تربیت دینی و گنجانیدن تربیت دینی در قالب برنامه درسی بوده است
۲	اسلامیان و همکاران (۱۴۰۰)	بررسی اجرای برنامه درسی مبتنی بر تفاوت‌های فردی درس «دین و زندگی» در نظام آموزش و پرورش ایران	چالش‌های قبل از اجرا عبارتند از ضعف در سیستم آموزشی و برنامه‌های درسی دانشگاه فرهنگیان، ضعف سیستم تربیت معلم در جذب و تربیت معلمان برخوردار از شایستگی حرفه‌ای، «کنکور» عاملی برای یکسان سازی، انعطاف ناپذیری اهداف و عدم استقلال معلم در انطباق دادن اهداف با تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان، حاکمیت رویکرد موضوع محوری در طراحی برنامه درسی، تمرکز محوری در تهیه محتوا و عدم توجه به مؤلفه‌های بوم شناختی، عدم تناسب محتوا با نیازهای گوناگون دانش‌آموزان، و چالش‌های حین اجرا نیز عبارتند از محدودیت در استفاده از مواد یادگیری متنوع آموزشی، ضعف دانشی و عملی معلمان در شیوه‌های تدریس، عدم «جذابیت و برانگیزانندگی».

ادامه جدول ۱. خلاصه نتیجه مطالعات مرور شده

ردیف	نویسندگان (تاریخ)،	عنوان پژوهش	یافته ها
۳	موسوی و همکاران (۱۴۰۰)	مقاله مروری بررسی و تبیین رویکردهای تربیت دینی بر اساس نقش خانواده	یافته‌های این پژوهش شامل توصیف و تبیین الگوها و رویکردهای تربیت دینی که در مبانی نظری تحول بنیادین و منابع معتبر دینی و مقالات مرتبط مطرح گردیده است و تأثیر نقش خانواده در شکل‌گیری تربیت دینی فرزندان و در نهایت کمک به تحقق اهداف سند تحول مورد بررسی قرار گرفت.
۴	شجاعی (۱۴۰۰)	نقش تربیت دینی در پیشگیری از شبکه‌های اجتماعی	کارکرد وسیع و پر دامنه شبکه‌های مجازی و اجتماعی در زمینه‌های مختلف قادر است جامع بشری را به شدت تحت تأثیر قرار داده و از هنجارها دور کند.
۵	مرزوقی و همکاران (۱۳۹۸)	ساخت و اعتباریابی مقیاس ارزشیابی تربیت دینی دوره دوم متوسطه بر مبنای نظریه تربیت دینی فضا مند بومی - جهانی	مؤلفه‌های نه گانه در نظریه مذکور به خوبی نشان دهنده برآزش این مدل برای توسعه تربیت دینی در فضای جهانی فعلی است. نتایج آلفای کرونباخ نیز نشان داد که این مقیاس در تمامی ابعاد خود، پایایی لازم برای استفاده به عنوان یک مقیاس معتبر را دارد.
۶	غفوری و باغلی (۱۳۹۸)	نقد نظریه تربیت اسلامی؛ «نگاهی دوباره به تربیت اسلامی» در بوته نقد	توسعه رویکرد تربیت اسلامی در توجه به جنبه‌های مختلف حیات انسانی می‌تواند یک مزیت، رقابتی در نظریه پردازی تربیتی قرار گیرد.
۷	حافظی (۱۳۹۶)	بررسی لحاظ شدن مؤلفه های تربیت دینی در مجلات رشد کودک - مطالعات بر اساس تحلیل محتوا	نه تنها این مؤلفه ها به صورت نامتعادل در هریک از این مجلات مطرح شده اند بلکه در بسیاری از موارد، برخی از ریز مؤلفه های این مؤلفه ها- به ویژه شناخت پیامبران به ویژه پیامبر اکرم(ص) با کمترین توجه همراه بوده است.
۸	شاهرودی و همکاران (۱۳۹۶)	خانواده و کارکرد تربیتی آن در قرآن و روایات	مدرسه به دلیل اشتغال فراوان متولیان آن و به دلیل رسمی بودن پیوند میان اعضا، این دغدغه به طور کامل وجود ندارد. در نتیجه تنها قسمتی از مسئولیت تربیتی را بر عهده گرفته است و خانواده کارکردهای تربیتی دارد که مدرسه نمی تواند جای آن را بگیرد.
۹	وقاری و همکاران (۱۳۹۵)	تبیین برنامه درسی تربیت دینی مبتنی بر رویکرد تکلیف‌گرا	به‌کارگیری رویکرد تکلیف‌گرا در برنامه درسی تربیت دینی می‌تواند منجر به دادن امکان انتخاب آزادانه و آگاهانه به فرد و رهایی از جبر محیطی، توجه به تفاوت‌های فردی و ارائه تکلیف به قدر وسع، ارزیابی اعمال از درون به بیرون شود.
۱۰	آقامحمدی و همکاران (۱۳۹۵)	طراحی الگوی خانواده صالح و شایسته و نقش آن در تربیت دینی فرزندان	بر اساس مبانی قرآنی و نظرات خبرگان، هشت مؤلفه اصلی «خانواده شایسته و صالح» که در تربیت دینی فرزندان مؤثر هستند به شرح زیر شناسایی شد: دین داری، علم و دانش، معرفت و بصیرت، تعهد و مسوولیت پذیری، عدالت محوری و حق طلبی، اعتدال و میانه روی، تعظیم شعائر اخلاقی و الهی، و نیز بهداشت جسمانی و روانی

ادامه جدول ۱. خلاصه نتیجه مطالعات مرور شده

ردیف	نویسندگان (تاریخ)،	عنوان پژوهش	یافته ها
۱۱	سلحشوری و خنکدار طارمی (۱۳۹۲)	چالش‌ها و افق‌های نظریه پیچیدگی برای تربیت دینی	با توجه به ویژگی‌های مانند ظهور و نمود حساسیت بالا، چند سونگری، مدل فازی و کل‌گرایی می‌توان اراده و اختیار و امور غیرمادی را از مسائل اساسی و پایه ای دین و تربیت دینی قرار دارد.
۱۲	سیدی و بیرقی (۱۳۹۰)	بررسی تطبیقی روابط اجتماعی سبک زندگی دینی و سبک زندگی مدرن با تأکید بر جامعه ایران	به تدریج که محیط و تعاملات اجتماعی انسان از جامعه سنتی فاصله می‌گیرد، سبک زندگی مدرن بیشتر متجلی می‌شود و در جامعه ایران که فرهنگ مذهبی غالب است، الگوی سبک زندگی مدرن و مصرفی موجب تقابل گردیده است و پیامدهایی را به همراه داشته است
۱۳	بلند همتیان و نقیب زاده (۱۳۸۷)	فرا- فلسفه دینی	دقت بیشتری در امر آموزش و پرورش در تربیت دینی به عمل آید. بر این مبنا نگاهی مجدد به دوره‌های آموزش فلسفه‌ی تعلیم و تربیت در سطح تحصیلات تکمیلی ضروری است.

۹. نتیجه گیری

در آموزه‌های دین اسلام اصول ثابت وجود دارد که با گذشت زمان تغییر ناپذیر است ولی در مدرنیته یک شکل وجودی مطرح است و آن شکل وجودی جامعه است و تغییر جامعه است که در پرتو تحول خودش اندیشه و باورها را شکل می‌دهد و این اندیشه خود مختار نسبت به شیوه زندگی وجود جهان و نسبت به تمام پدیده‌های اساسی زندگی تعریف خاصی ارائه می‌دهد و ترویج کننده افکار و شیوه زندگی رسانه‌ها و دولت‌هاست. با بهره‌گیری از آموزه‌های دینی و اسلامی و رعایت اصول اخلاقی، می‌توان به شیوه‌ای صحیح و مؤثر، در به فعلیت رساندن این استعدادهای معنوی و انسانی کوشش نمود و شخصیت واقعی انسان را نشان داد. بنابراین می‌توان مقصد نهایی و غایت تربیت دینی، تربیت اخلاقی و تربیت اسلامی را در تربیت معنوی مشاهده کرد. تربیت معنوی با پیروی از دستورات الهی (تربیت دینی و اسلامی) و زدودن باطن از صفات ناشایست و آراستن آن با صفات نیک (تربیت اخلاقی)، تحقق می‌یابد و خود نیز دارای مراتب و مدارج فراوانی است. بنابراین افزودن قیودی مانند دین، مذهب و اسلام به تربیت، به مبانی، اصول، راه کارها و توصیه‌هایی اشاره دارد که تنها بر اساس آن‌ها می‌توان مراحل گوناگون فرایند تربیت معنوی را پیمود و در بستر آن حرکت کرد. در تربیت اخلاقی نیز دستیابی به صفات و ملکات انسانی و سوق دادن رفتارها و ابعاد شخصیتی آدمی به سوی روش‌ها و منش‌های اولیای الهی، یک هدف اساسی به شمار می‌آید که نهایت آن، رسیدن به مراتب و منازل از تربیت دینی تلقی می‌شود. سند تحول بنیادین خانواده‌ها باید مانند همیشه یکی از بازیگران اصلی آموزشی و تربیتی باشند تا اهداف سند تحول بنیادین آموزش و پرورش محقق گردد. و نیز با مطالعه دقیق و عمیق سند و مبانی نظری آن برای موضوع تربیت دینی و رویکردهای آن، می‌توان با نمونه‌های فراوانی مواجه گردید که هر کدام در جایگاه خود موضوعی مفیدی برای پژوهش و تحقیق جهت ارتقای نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران است. به طور کلی تربیت دینی از مهم‌ترین ابزارها و عناصر برای تحقق بخشیدن به اهداف و رسالت‌های دینی است. از این رو تلاش می‌شود تا از طریق طراحی و تدوین تربیت دینی مشخص و انواع مختلف دین و مذهب‌ها را به فراگیران انتقال داده شوند تا آن‌ها را برای بر عهده گرفتن نقش‌ها و مسئولیت‌هایشان در زندگی آماده سازند. نکته مهم این است که تصور کنیم که آموخته‌های فراگیرندگان صرفاً به مواردی محدود می‌شوند که در تربیت دینی و الزامات قانونی موسسه دینی گنجانده شده است. عواملی فراتر از تربیت دینی وجود دارد، که از دید و مشاهده دست‌اندرکاران پنهان است. این عوامل را می‌توان در هویت‌ها و رهایی از اسارت و کنترل رفتار انسان و اهمیت کار و تلاش دانست.

منابع

۱. اسلامیان، زهرا؛ سعیدی، محمود؛ کرمی، مرتضی؛ ایونس، دیوید. (۱۴۰۰). اجرای برنامه درسی مبتنی بر تفاوت‌های فردی درس «دین و زندگی» در نظام آموزش و پرورش ایران؛ چالش‌ها و راهکارها، تربیت اسلامی، دوره ۱۶، شماره ۳۸، ص ۷-۳۰.
۲. آقامحمدی، جواد. (۱۳۹۵). طراحی الگوی خانواده صالح و شایسته و نقش آن در تربیت دینی فرزندان، بصیرت و تربیت اسلامی، سال ۱۳، شماره ۲۸، ص ۹۷-۱۲۴.
۳. بت شکن، رضوان؛ زهره سعادت‌مند. (۱۳۹۴). آسیب‌شناسی برنامه درسی دینی پیش دبستانی از دیدگاه متخصصان و مربیان دینی کنفرانس بین المللی مهندسی و علوم کاربردی، امارات، دبی.
۴. بلندهمتیان، کیوان؛ نقیب‌زاده، میرعبدالحسین. (۱۳۸۷). فرا-فلسفه تربیت دینی، تربیت اسلامی، دوره ۳، شماره ۶، ص ۹-۲۶.
۵. حافظی، علیرضا. (۱۳۹۶). بررسی لحاظ شدن مؤلفه‌های تربیت دینی در مجلات رشد کودک: مطالعه ای براساس تحلیل محتوا، تربیت اسلامی، دوره ۱۲، شماره ۲۴، ص ۱۳۹-۱۵۰.
۶. رحمان پور، محمد؛ میرشاه جعفری، سید ابراهیم. (۱۳۹۵). آسیب‌های تربیت دینی و ارائه راهکارهای مناسب از دیدگاه صاحب‌نظران با رویکرد برنامه‌ریزی درسی، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۳۲، ص ۳۱-۵۲.
۷. سعیدی رضوانی، محمود؛ باغلی، حسین. (۱۳۸۹). نقدی بر روش‌های تربیت دینی (با تأکید بر برنامه درسی پنهان)، مشهد، به نشر.
۸. سعیدی رضوانی، محمود و دیگران. (۱۳۹۵). بررسی دیدگاه دانش‌آموزان پایه سوم دوره متوسطه پیرامون تحقق اهداف قلمرو «عمل و رفتار»، برنامه درسی دین و زندگی، فصلنامه مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، ۱، (۲)، ص ۹۹-۱۲۷.
۹. سلحشوری، احمد؛ خنکدارطاری، معصومه. (۱۳۹۲). چالش‌ها و افق‌های نظریه پیچیدگی برای تربیت دینی، راهبرد فرهنگ، دوره ۶، شماره ۲۴، ص ۱۱۷-۱۳۹.
۱۰. سیدی، فرانک؛ بیرقی، محمدرحیم. (۱۳۹۱). بررسی تطبیقی روابط اجتماعی سبک زندگی دینی و سبک زندگی مدرن با تأکید بر جامعه ایران، پژوهش دینی، دوره ۱، شماره ۲۵، ص ۳۵-۶۴.
۱۱. شاهرودی، محمدرضا؛ فیضی، زهرا؛ باقری، زهرا. (۱۳۹۶). خانواده و کارکرد تربیتی آن در قرآن و روایات، پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآن کریم، دوره ۸، شماره ۲، ص ۷-۱۶.
۱۲. شجاعی، مسلم. (۱۳۹۹). نقش تربیت دینی در پیشگیری از آسیب‌های فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، نشریه فلسفه و کودک، دوره ۲، شماره ۲۲، ص ۲۳-۳۴.
۱۳. شمشیری، بابک؛ نوذری، مرضیه. (۱۳۹۰). آسیب‌های تربیت دینی کودکان مقطع پیش دبستانی از نظر متخصصان علوم تربیتی، روانشناسی، علوم دینی و ادبیات کودکان و مربیان پیش دبستانی، دو فصلنامه تربیت اسلامی، ۱۲، ص ۵۱-۷۳.
۱۴. صافی، احمد. (۱۳۷۱). اهمیت و ضرورت جذب، تربیت و تامین مدارس در ایران. فصلنامه مدیریت در آموزش و پرورش، (۱)، (۳)، صص ۲۰-۲۵.
۱۵. غفوری، امیر؛ باغلی، حسین. (۱۳۹۸). نقد نظریه تربیت اسلامی؛ نگاهی دوباره به تربیت اسلامی در بوته نقد، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، دوره ۲۷، شماره ۴۳، ص ۵-۲۶.
۱۶. فتحی واجارگاه، کوروش. (۱۳۹۲). برنامه درسی به سوی هویت‌های جدید؛ شرحی بر نظریات معاصر برنامه درسی، جلد اول، تهران: آییژ.
۱۷. فضل‌اللهی، سیف‌اله؛ جهانگیر اصفهانی، نرگس؛ و حق‌گویان، زلفا. (۱۳۸۹). سنجش میزان و عوامل مؤثر بر شادی دانشجویان پردیس قم دانشگاه تهران. فصلنامه علمی-پژوهشی روان‌شناسی و دین، ۳(۴)، ص ۸۹-۱۰۸.

۱۸. فهیمی، محمدظاهر. (۱۳۸۸). روش عادت‌ی دینی از منظر آموزه‌های اسلامی. مجموعه همایش تربیت دینی. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره.
۱۹. قربانزاده، سلام‌الله. (۱۳۷۶). بررسی عوامل مؤثر در رشد و تثبیت باورهای دینی دانش‌آموزان دوره متوسطه استان آذربایجان غربی. طرح پژوهشی سازمان آموزش و پرورش استان آذربایجان غربی.
۲۰. کامیاب، زهره؛ حسین‌پور، محمد و سودانی، منصور. (۱۳۸۸). اثربخشی آموزش شادمانی به شیوه فوردایس بر افزایش شادمانی بیماران مبتلا به دیابت شهرستان بهبهان. دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، ۱۱(۴۲)، ص ۱۰۸-۱۲۳.
۲۱. کریمی، رضا. (۱۳۸۶). کلیدها و تکنیک‌های طلایی تربیت برتر. قم: چاپ نشر حیات.
۲۲. کشاورز، سوسن. (۱۳۸۷). شاخص‌ها و آسیب‌های تربیت دینی، دو فصلنامه تربیت اسلامی، ۶، ص ۹۳-۱۲۲.
۲۳. کشاورز، سوسن. (۱۳۸۷). شاخص‌ها و آسیب‌های تربیت دینی. دو فصلنامه تربیت اسلامی، ۳(۶)، ص ۱۲۵-۱۳۱.
۲۴. مرزوقی، رحمت‌اله؛ جهانی، جعفر؛ شیخ‌الاسلامی، جعفر؛ دهقانی، یاسر. (۱۳۹۸). ساخت و اعتباریابی مقیاس ارزشیابی تربیت دینی دوره دوم متوسطه بر مبنای نظریه تربیت دینی فضا‌مند بومی - جهانی، تربیت اسلامی، دوره ۱۴، شماره ۳۰، ص ۸۱-۱۰۴.
۲۵. مشایخی‌راد، شهاب‌الدین. (۱۳۸۵). تعلیم و تربیت دینی (مجموعه مقالات). قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۶. مهرمحمدی، محمود. (۱۳۷۸). ارزیابی شیوه‌های رویارویی برنامه درسی و آموزش با تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان». فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۵۷، ص ۱۱-۲۷.
۲۷. موسوی، امل‌السادات؛ نیسی، آتنا؛ ویسی شیخ‌رباط، سارا. (۱۳۹۵). نقش خانواده در تعلیم و تربیت دینی فرزندان و کاهش آسیب‌های فرهنگی، چهارمین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روان‌شناسی، آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی.
۲۸. موسوی، منصوره؛ انصاریان، فهیمه؛ صمدی، معصومه؛ عباسی، لطف‌اله. (۱۴۰۰). مقاله مروری بررسی و تبیین رویکردهای تربیت دینی بر اساس نقش خانواده، دوره ۱۱، شماره ۲۸، ص ۱۸۵-۲۰۰.
۲۹. نصیری، فخرالسادات؛ ایزدی معز، شیرین؛ فلاحتی، احمدحسین و شمخانی، اژدر. (۱۳۹۰). درونی‌کردن ارزش‌های اسلامی در میان دانش‌آموزان از دیدگاه مریبان تربیتی (مطالعه موردی: دبیرستان‌های دخترانه شهر همدان)، نشریه مهندسی فرهنگی، ۶(۵۷ و ۵۸)، ص ۷۷.
۳۰. نقیب‌زاده، میرعبدالحسین. (۱۳۸۵). نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش. تهران: طهوری.
۳۱. نوربخش، یونس؛ اوپسی، قاسم. (۱۳۹۵). دین‌داری و الگوی تربیتی خانواده (بررسی تأثیرات خانواده بر رفتار دینی نوجوانان در شهر تهران)، بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۷، شماره ۱، ص ۲۸۴-۳۱۴.
۳۲. نیرومند، زینب؛ محبی، علی؛ وکیلی، نجمه. (۱۴۰۱). ارائه الگوی تربیت دینی برای دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم با رویکرد نشاط‌آوری، براساس آیات و روایات، اسلام و مطالعات اجتماعی، دوره ۱۰، شماره ۲، ص ۱۶۱-۱۹۲.
۳۳. وقاری، زهرا؛ خندقی، مقصود؛ امین؛ سعیدی، محمود؛ موحدی، مرضیه. (۱۳۹۵). تبیین برنامه درسی تربیت دینی مبتنی بر رویکرد تکلیف‌گرا، پژوهشنامه مبانی تعلیم و تربیت، دوره ۶، شماره ۲، ص ۸۲-۱۰۶.
۳۴. Jeffrey B. (2008). integrating self-regulation theories work motivation into a dynamic process theory: Psychology Vancouver.
۳۵. Kerr G., Dacyshyn A.. (2008). Retirement experiences of gymnasts. J Applied Sport Psychology, 12(5): 115-133.
۳۶. Brown R., Capozza D.. (2002). Introduction: Social identity theory in revisiting and perspective. In Dora Capozza, Rupert Brown (eds). Social identity processes: Trends in theory and research. London: Sage.
۳۷. Chomsky N. (2002). Media control: The spectacular achievements of propaganda. language arts & disciplines.

۳۸. Mosko J..(1993). Commitment and attachment dimensions. In: parial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy. Purdue University, 2009.
۳۹. Danish SJ., Petitpas AJ., Hale BD. Life development interventions for athletes: Life skills through sport. The Counseling Psychologist, 21: 352–385.